



«جدایی طلبان» دیروز، «جنگجویان مقاومت» امروز هستند:

تحلیل انتقادی گفتمان بازنمایی کردهای عراق در نشریه‌های گلوب و مایل و نیویورک تایمز*

نویسنده: جعفر شیخ‌الاسلامی**

ترجمه و تلخیص: کمال خالق‌پناه**

زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد.

مقدمه

این رساله بررسی کارکردهای زبان به مثابه کردار اجتماعی به طور فی‌نفسه و به مثابه شکل‌دهنده به کردارهای اجتماعی دیگر همچون گفتمان رسانه‌ای است. هدف عمده این پژوهش، بررسی شیوه‌هایی است که در آن زبان به وسیله مطبوعات به مثابه نهاد اجتماعی قدرتمندی به کار گرفته می‌شود که گفتمانی را برای بازنمایی جهان تولید کرده و به واقعیت‌های معینی ساخت می‌دهند.

دلایل زیادی برای مطالعه و تحلیل متون و گفتمان‌های رسانه‌ها وجود دارد (گارت و بل، ۱۹۹۸: صص ۴-۳). نخست آنکه داده‌های حاضر و آماده و قابل دسترسی وجود دارد که منابع غنی‌ای را برای تحقیق، مطالعه و آزمون فراهم می‌سازند. از طرف دیگر صورتبندی و بیان فرهنگ، سیاست، عقاید ایدئولوژیکی و زندگی اجتماعی در رسانه‌ها فقط انعکاس پیدا نمی‌کنند، بلکه از رسانه‌ها تأثیر می‌پذیرند و به واسطه آنها خلق می‌شوند. گفتمان‌های رسانه‌ای به واسطه آنچه بازنمایی می‌کنند، می‌توانند بازنمای معانی اجتماعی و تصورات قالبی باشند که در آنها تجسم می‌یابند، تولید شده و از طریق گفتمان‌ها و ارتباطات بازتولید

* ماهیت تلخیصی بودن این مقاله امکان پرداختن گسترده به تحلیل گفتمانی سرمقاله و متون روزنامه را به ما نداد.

** جعفر شیخ‌الاسلامی، استاد دانشگاه اُتاوا است. این مقاله تلخیصی است از رساله کارشناسی ارشد ایشان که در دانشکده

مطالعات زبان‌شناسی در ۱۹ سپتامبر سال ۲۰۰۱ ارائه شده است.

*** دانشجوی دوره‌ی دکتری جامعه‌شناسی

می‌شوند. و سرانجام آنکه، اکثر آنچه ما درباره ملت‌های دیگر می‌دانیم، از راه رسانه‌ها کسب کرده‌ایم. منتقدان رسانه‌ها بر این باورند که رسانه‌ها آینه حقیقت نیستند (چامسکی ۱۹۸۹، هاکت، ۱۹۹۱ و کریم، ۲۰۰۰) همیشه محدودیت‌هایی از قبیل، اقتصاد رسانه‌ها، تمرکز و تراکم مالکیت، محدودیت‌های نهادی و... رسانه‌ها را از بازنمایی جهان به شیوه‌ای عینی بازمی‌دارند. بازنمایی روایت‌ها، داستان‌ها و کنشگران بین‌المللی با تصورات قالبی عمومی و عقاید عمومی جوامع غربی متناظر است (بروکس ۱۹۹۵، وان دایک ۱۹۸۸، ص ۳۴). این رساله بررسی بازنمایی بین‌المللی کردهای عراق در نشریه‌های *New York Times* و *Globe and Mail* در طول سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ است.

کردها و کردستان

کردها که جمعیت آنها ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود (سمنت: ۱۹۹۶، ۷۶)، بزرگترین ملت بدون دولت هستند. آنها در خاورمیانه زندگی می‌کنند، در سرزمینی که کردستان نامیده می‌شود که بخش‌هایی از عراق، ترکیه، ایران و سوریه را دربرمی‌گیرد. اگرچه هیچگاه دولتی به نام کردستان وجود نداشته است (وان بروین سن: ۱۹۹۲، ۵۰) اما تاریخ کردستان به قرن هشتم برمی‌گردد (حسن پور: ۱۹۹۲، ۵۰). پس از حمله مغول‌ها، در کردستان، امارت‌های زیادی حکومت می‌کردند که به گفته حسن پور تا پایان قرن هفدهم تعداد این امارت‌ها به ۴۰ مورد می‌رسید. در اواسط قرن هفدهم تقسیم کردستان بین امپراتوری‌های عثمانی و ایران شروع و در اواسط قرن نوزدهم کامل شد. سرانجام، در نتیجه مداخله قدرت‌های اروپایی و بویژه فرانسه و انگلستان و درست قبل از جنگ جهانی اول، نقشه سیاسی خاورمیانه تغییر کرد و کردستان بین کشورهای تازه تأسیس عراق، ترکیه، سوریه و ایران تقسیم شد.

کردها در عراق و اخبار بین‌المللی

کردها در عراق ۲۸٪ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهند (حسن پور: ۱۹۹۲، ۱۳). از زمان تقسیم کردستان پس از جنگ جهانی اول، کردهای عراق با دولت مرکزی عراق و در تلاش برای دستیابی به استقلال فرهنگی و سیاسی در جنگ بوده‌اند. در جریان تضاد و تنازع بین کردها و حکومت عراق، دو دوره زمانی مشخص وجود دارد. دوره اول (۱۹۸۸) که در طی آن دولت عراق از سوی دیده‌بان حقوق بشر خاورمیانه (HRW/ME، ۱۹۹۵، ص xvii) به «جنایت علیه بشریت و ژنوساید» متهم شد و دوره دوم (۱۹۹۱) درست پس از جنگ خلیج فارس که در طی آن جامعه بین‌الملل شاهد «بزرگترین بحران پناهندگی در قرن» بود (NYT، ۲۲ آوریل، ۱۹۹۱، ص ۸۹).

رسانه‌ها در سال‌های ۱۹۹۱ یکی از عوامل جلب توجه افکار عمومی جهان به کردها و به ویژه به وضعیت زنان و کودکان بود، چیزی که در دهه هشتاد نادیده گرفته شده بود. این امر کنجکاوی‌ای بود که مرا به چنین پژوهشی برانگیخت.

سوالات پژوهش

این پژوهش در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان "Critical Discourse Analysis" (CDA) انجام گرفته و به چگونگی بازنمایی کردهای عراق در نشریات GM و NYT در دوره دوره زمانی مختلف می‌پردازد. سال ۱۹۸۸ که عراق دشمن غرب به شمار نمی‌رفت، بلکه دشمن دشمن غرب (ایران) محسوب می‌شد (کریم: ۲۰۰۰، چامسکی: ۱۹۸۹) و دوره دوم، درست پس از حمله عراق به کویت که عراق به دشمن غرب بدل شد.

دلایل من برای گزینش چنین دوره‌ای، همانطور که فرکلانف (b ۱۹۹۵) می‌گوید، مبنی بر این ایده است که «هر تمرکزی بر تحلیل باید بر پایه چگونگی تغییرات گسترده در اظهارات فرهنگی جامعه در کردارهای گفتمانی متغیر رسانه‌ها باشد» (ص، ۳۳).

در طول این سال‌ها، مشارکت کنندگان در حادثه (کردها و عراق)، رابطه آنها (تضاد) و مکان رخداد حوادث (کردستان / شمال عراق) یکسان است. اما رابطه این کنشگران و به ویژه حکومت عراق با کشورهای که روزنامه‌های تحت پژوهش را در مالکیت خود دارند، تغییر کرده است.

براین اساس سؤالاتی که من در این پژوهش دنبال می‌کنم، عبارتند از:

۱) چه تفاوتی بین بازنمایی کردها در نشریات GM و NYT در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۱ وجود دارد؟

۲) چگونه این تفاوت‌ها در گفتمان رسانه‌ها ابراز می‌شوند؟

۳) چگونگی مقایسه GM و NYT؟

۴) چرا چنین تفاوت‌هایی وجود دارد؛ دلایل فنی (همچون دسترسی رسانه‌ها به حوادث)، اعمال سردبیری (ارزش‌های خبری) و یا دلایل ایدئولوژیک؟

۵) ارتباط بازنمایی ملت‌های دیگر، دولت و سیاست‌های خارجی حکومت‌هایی که روزنامه‌ها را در مالکیت دارند؟

۶) تفاوت در بازنمایی کردها در دوره‌های زمانی ذکر شده چه مبنایی را در رسانه‌ها تشکیل می‌دهند؟

زبان هرگز دروغ نمی‌گوید (ضرب‌المثل کردی)

مبانی نظری

هدف این مطالعه بررسی زبان و گفتمان مطبوعات است. چارچوب نظری و روش‌شناسی‌ای که در اینجا مورد استفاده قرار می‌گیرد، برپایه فهم معینی از فرضیات در باب رسانه‌ها و زبان استوار است. به این دلیل که پژوهش درباره گفتمان رسانه‌هاست، هرگونه چارچوب نظری‌ای در این باره باید ضمن فراهم کردن پایه‌ای نظری و ابزارهای تحلیل برای فهم گفتمان رسانه‌ها، بایستی شیوه‌های تبیین و تفسیر روابط بین گفتمان و زمینه‌های سیاسی-فرهنگی و اجتماعی گسترده‌تر را نیز تبیین کند (فرکلاف ۱۹۹۵b). چارچوب نظری مورد نظر ریشه گرفته از زبان‌شناسی انتقادی (critical linguistics) است که تحت عنوان تحلیل انتقادی گفتمان معروف است (Critical discourse analysis [CDA]).

براساس نظر وان دایک (Van Dijk)، CDA حوزه‌ای است که به مطالعه و تحلیل متون مکتوب و گفته شده می‌پردازد تا از این طریق مناسبات گفتمانی قدرت، سلطه، نابرابری و جانبداری را آشکار سازد (۱۹۹۸a). بررسی چگونگی بازتولید شدن منابع گفتمانی در زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی ویژه. فرکلاف نیز به همین طریق بر ارتباط کردارهای گفتمانی، کردارهای اجتماعی و ساختارهای اجتماعی متمرکز است، ارتباطی که ممکن است پنهان شوند (فرکلاف ۱۹۹۳).

CDA ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد که برخلاف مطالعات اجتماعی-زبان‌شناختی مرسوم دهه هفتاد، بر پیوند این دو تأکید داشتند. از نظر آنها زبان بخش مکمل و یکپارچه فرایند اجتماعی است (فاولر ۱۹۷۹، ص ۱۸۹). پیش‌فرض دیگر آنها این است که گویندگان واژگان و دستور زبانی را انتخاب می‌کنند که آگاهانه یا غیر آگاهانه نظام‌مند می‌باشند (همان، ۱۸۸). بنابراین این گزینش‌های زبانی از اساسی ایدئولوژیک برخوردارند. رابطه بین فرم و محتوا قراردادی نیستند و بطور کلی زبان عملی اجتماعی است و به شیوه‌ای ایدئولوژیک ساخته و پرداخته می‌شود.

به نظر ول و گارت (۱۹۹۸) آنچه امروزه CDA خوانده می‌شود، طیفی از مکاتب را در برمی‌گیرد (فرکلاف، وان دایک و وداک). وان دایک نیز تأکید دارد که CDA جهت‌گیری خاصی از تحقیق و یا کلیت یکپارچه‌ای از چارچوب نظری نیست (۱۹۹۸a).

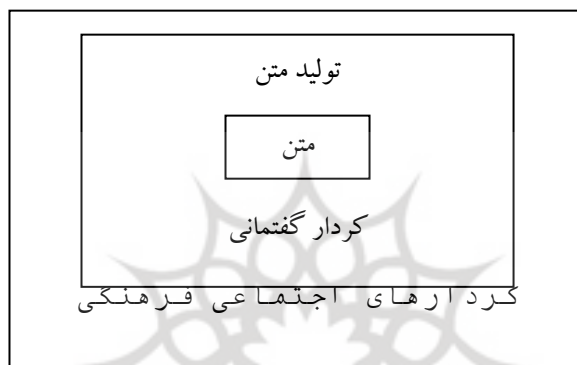
۱) فرکلاف

رهیافت فرکلاف که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد، در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه بوده است. فرکلاف در آثار اولیه‌اش رویافت خود را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد (۱۹۸۹، ص ۵). به نظر فرکلاف، CDA علوم اجتماعی و زبان‌شناسی را در یک چارچوب نظری و تحلیلی واحد گرد می‌آورد، چارچوبی که مبتنی بر دیالوگ این دو باهم می‌باشد. وی در علوم اجتماعی بویژه وامدار فوکو، گرامشی و هابرماس

می باشد (فرکلاف ۱۹۸۹، ۱۹۹۲ و...). در رهیافت فرکلاف در تحلیل هر واقعه ارتباطی (تعامل) سه کانون تحلیلی وجود دارد. این وقایع ارتباطی متن (همچون گزارش های خبری)، کردارهای گفتمانی (همچون فرایند تولید و مصرف) و کردارهای اجتماعی- فرهنگی (همچون ساختارهای اجتماعی- فرهنگی که تعامل ارتباطی از متن آن ظهور می کند)، هستند (فرکلاف ۱۹۹۵b، ص ۵۷ و فرکلاف ۱۹۹۹، ص ۱۱۳). این سه کانون تحلیلی با سه بُعد تحلیل ایدئولوژی از نظر وان دایک (گفتمان، شناختی- اجتماعی و تحلیل اجتماعی) همخوانی دارند.

در سطح نخست، تحلیل متن مستلزم تحلیل زبانشناختی واژگان، گرامر، نحو، نظام آوایی و... است (فرکلاف، ۱۹۹۵b، ص ۵۷).

در سطح دوم، کردارهای گفتمانی مستلزم بررسی فرایندهای نهادی (همچون روش های ویرایشی) و فرایندهای گفتمانی (تغییرات متن در تولید و مصرف) است. از نظر فرکلاف کردارهای گفتمانی پیونددهنده جامعه، فرهنگ و گفتمان، زبان و متن می باشد (فرکلاف ۱۹۹۵، ص ۶۰).



در سطح سوم، کردارهای اجتماعی- فرهنگی مستلزم بررسی زمینه های اجتماعی- فرهنگی تعامل ارتباطی، اقتصاد رسانه، سیاست های رسانه (قدرت و ایدئولوژی رسانه) و فرهنگ رسانه ها (ارزش ها) می باشد.

به همین ترتیب ملاحظات فرکلاف در باب تحلیل گفتمان رسانه ها مستلزم توجه به جنبه هایی از قبیل دسترسی به رسانه ها، اقتصاد رسانه ها، سیاست رسانه ها، کردارهای تولید و مصرف متن رسانه ها و... است. در نهایت با توجه به بررسی مفصل موارد فوق می توان اصول CDA را به ترتیب زیر خلاصه نمود:

- ۱) زبان کرداری اجتماعی است که جهان از طریق آن بازنمایی می شود.
- ۲) زبان/ گفتمان به مثابه شکلی از کردار اجتماعی به کار گرفته می شود که فی نفسه نه تنها کردارهای اجتماعی دیگر را بازنمایی می کند و بر آنها دلالت دارد، بلکه کردارهای اجتماعی دیگری را همچون

قدرت، سلطه، تعصب، مقاومت و غیره را شکل می‌دهد.

- ۳) معنای متون از رابطه دیالکتیکی بین متون و سوژه‌های اجتماعی بر ساخته می‌شود: نویسندگان و خوانندگان که همیشه با میزان متغیری از انتخاب و دسترسی به متون و ابزارهای تفسیر عمل می‌کنند.
- ۴) ساختارها و ویژگی‌های زبانشناختی دلخواهانه نیستند، بلکه آگاهانه یا ناآگاهانه، آنها هدفمند هستند.
- ۵) روابط قدرت در گفتمان‌ها تولید، بازتولید شده و به اجرا گذاشته می‌شوند.
- ۶) همه گویندگان و نویسندگان در کردارهای گفتمانی ویژه‌ای عمل می‌کنند که از علائق، منافع و اهداف خاصی که اعمال آنها مستلزم انحصار و گشودگی است، برخاسته‌اند.
- ۷) گفتمان‌ها بدین معنی تاریخی هستند که متون، معنایشان را از زمان، مکان و زمینه‌های ایدئولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی خاصی کسب می‌کنند.
- ۸) CDA نه تنها متون را تفسیر می‌کند، بلکه آنها را تبیین نیز می‌کند. و همچنین می‌توان ملاحظات فرکلاف در باب تحلیل انتقادی گفتمان رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات را این گونه خلاصه نمود (۱۹۹۵b، صص ۳۲-۳۴).
- ۱) تحلیل گفتمان بر ارائه تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کردارهای گفتمانی رسانه‌ها متمرکز است.
- ۲) تحلیل متون رسانه‌ای بایستی هم تحلیل زبان و هم تصاویر بصری را شامل شود.
- ۳) بررسی کردارهای تولید و مصرف متن بخشی از تحلیل گفتمان هستند.
- ۴) روابط قدرت و ایدئولوژی به مثابه بخشی از کردارهای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی گسترده‌تر رسانه‌ها، بایستی بخشی از تحلیل گفتمان باشند.
- ۵) تحلیل متن هم تحلیل زبانشناختی و هم تحلیل بینامتنیت متن را در برمی‌گیرد.
- ۶) متون دارای کارکردهای متعددی هستند و بهمین طریق بایستی تحلیل شوند.
- ۷) تحلیل زبانشناختی همه جنبه‌های زبان (دستور زبان، استعاره، فونولوژی و...) و همچنین ساختارهای کلان را نیز شامل می‌شود.
- ۸) متون رسانه‌ای را بایستی در پیوند دیالکتیکی آنها با جامعه و فرهنگ دریافت: متون به شیوه‌های فرهنگی و اجتماعی ساختار می‌یابند و از طرف دیگر آنها جامعه و فرهنگ را نیز شکل می‌دهند، بدین شیوه که ممکن است دگرگون‌ساز و بازتولیدکننده باشند.

(۲) وداک

جامعه زبان‌شناسی گفتمانی، رویکردی گفتمانی است که توسط روث وداک و همکارانش در دانشگاه وین دنبال می‌شود. این رویکرد مبتنی است بر سنت جامعه‌شناسی زبان برنشتاین و دیدگاه مکتب فرانکفورت به ویژه یورگن هابرماس است. این رویکرد نوعی جامعه‌شناسی زبان است که نه تنها مشخصاً مرتبط با مطالعه متن در زمینه‌های خود است، بلکه به هر دو عامل اهمیتی برابر می‌دهد و رویکردی است که می‌تواند سازوکارهای نهفته‌ای را شناسایی و توصیف کند که در ایجاد نابسامانی‌های گفتمانی پنهان در بافت‌های خاص نقش دارند و ناگزیر بر برقراری ارتباط تأثیر می‌گذارند.

براساس این رویکرد، زبان هم منعکس‌کننده و هم سازنده فرایندها و تعاملات اجتماعی است. پیامدهای این نگرش عبارتند از: (۱) یک گفتمان همواره متضمن قدرت و تکنولوژی است، جایی که روابط قدرت غالب نیست، هیچ تعاملی وجود ندارد. (۲) گفتمان همواره تاریخی است. (۳) خوانندگان و شنوندگان براساس اطلاعات و دانش پس‌زمینه‌ای‌شان و موقعیت‌شان ممکن است تعبیر متفاوتی از یک رویداد ارتباطی داشته باشند.

(۳) تئو وان دایک

وان دایک در رویکرد خودش سه مفهوم گفتمان، شناخت و اجتماع را بهم پیوند می‌دهد و براین اساس رویکردش تحت عنوان اجتماعی-شناختی، را از رویکردهای فرکلاف و وداک متمایز می‌سازد. در اینجا منظور از گفتمان، همان زبان در بافت موقعیتی و اجتماعی است و شناخت، «شناخت فردی و اجتماعی، باورها، اهداف و همچنین ارزیابی‌ها و احساسات و یا همه‌ی ساختارها، بازنمایی‌ها و فرایندهای مرتبط با ذهن و حافظه است که به گفتمان و تعامل مربوطند (وان دایک: ۲۰۰۱، ۹۸). از طرف دیگر، وان دایک، ایدئولوژی را به طور کلی نظام اعتقادات تعریف می‌کند. ایدئولوژی در صورت مشروعیت بخشی به سلطه، منفی است و در صورت مشروعیت بخشی به مقاومت، مثبت است. کاربرد زبان و گفتمان نیز همواره تحت تأثیر ایدئولوژی است. وی اساساً در پی درک چگونگی بازتولید ایدئولوژی در اجتماع، زبان و گفتمان‌هاست. بر پایه بحث‌های وان دایک بایستی در هر تحقیقی به سؤالات زیر پرداخت (وان دایک، ۱۹۸۸، ۱۹۹۱، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶، ۱۹۹۸):

- بررسی زمینه گفتمان: زمینه‌های تاریخی، سیاسی یا اجتماعی تضاد و مشارکت کنندگان عمده آن.
- تحلیل گروه‌ها، روابط قدرت و تضادهای مستلزم آن.
- شناخت افکار منفی و مثبت درباره ما و آنها.
- بررسی همه ساختارهای صورتی.

روش‌شناسی

این پژوهش تحلیل انتقادی گفتمان بازنمایی کردهای عراق در روزنامه‌های گلوب و مایل کانادایی و نیویورک تایمز آمریکایی است. انتخاب GM بدین دلیل بود که این روزنامه هم ارگان رسمی و ملی کانادایی‌هاست و هم روزنامه نخبگان کانادایی است که به مثابه منبع تفکر عمومی در باب امور جهانی عمل می‌کند (هاکت: ۱۹۹۱، ۱۵) و به همین ترتیب نیویورک تایمز نیز یکی از معروف‌ترین روزنامه‌های جهان و به ویژه در آمریکا در زمینه اخبار است و همانطور که وان دایک می‌گوید، NYT بازتاب چشم‌انداز ایدئولوژیکی آمریکا به جهان است (۱۹۹۸، ۲۱۰). گزینش و نمونه‌گیری این پژوهش مبتنی بر جستجو در نمایه‌های روزنامه‌ها بوده است، بدین دلایل که نه اخبار عراق به کردها محدود می‌شود و نه اخبار مربوط به کردها، به کردهای عراق محدود می‌شود. بنابراین من صرفاً به دنبال تضاد و ستیزه عراق - کردها بودم، که در نهایت از GM ۶، روایت در سال ۱۹۸۸ و ۷۰ روایت از سال ۱۹۹۱ و از NYT، ۳۳ روایت در سال ۱۹۸۸ و ۲۴۰، روایت از سال ۱۹۹۱ انتخاب شده‌اند و در میان آنها نیز به نمونه‌گیری در باب تیرها و کلیت متن پرداخته‌ام.

روش تحلیل

در این بخش به توصیف ابزارهای تحلیلی‌ای می‌پردازم که از چارچوب نظری تحلیل انتقادی گفتمان برای پژوهش خود گزینش کرده‌ام. همانطور که گفته شد من به تحلیل دو مجموع داده می‌پردازم. سرتیترها و متن کامل. در رابطه با تیرها به تحلیل آنها براساس دستور جملات متعددی می‌پردازیم. نخست براساس نظام فرد‌هالیدی به موارد زیر می‌پردازم:

مشارکت‌کنندگان	معنای مقوله	نوع فرایند
کنشگر، هدف	انجام دادن: انجام دادن اتفاق افتادن	مادی: کنش حادثه
انجام دهنده رفتار پدیده‌ها	رفتار حساسیت: دیدن	رفتاری ذهنی: دریافت
گوینده، منظور	حس کردن فکر کردن گفتن	موثر شناخت فعالی
وجود داشته	وجود وجود	رابطه‌ای وجودی

از طرف دیگر من با به کار گرفتن تحلیل انتقادی گفتمان به سه مشارکت‌کننده: عامل (عامل خارجی

فرایند)، متأثر شده و ذینفع می‌پردازم. و در نهایت به دنبال این سؤالات هستم که: در کردستان/شمال عراق چه اتفاقی افتاده است (فرایندها)؟ آنچه کردها و حکومت عراق انجام می‌دهند (نقش عامل)؟ چه کسی به واسطه این کنش‌ها متأثر می‌شود؟ و سرانجام چه کسی از این کنش‌ها سود می‌برد؟

در تحلیل داستان‌های کامل بر ویژگی‌های گفتمانی شامل، گزینش نام‌گذاری، گزینش واژگانی over completeness و آواها (voice) می‌پردازیم.

پس از بررسی هر کدام از این موارد در روزنامه‌های NYT و GM یافته‌های تحلیل نشان می‌دهد که بازنمایی عراق، کردهای عراق در این دو روزنامه یکسان می‌باشد. در حالیکه این بازنمایی در سال ۱۹۸۸ که عراق دشمن غرب تلقی نمی‌شد، از عراق حمایت می‌شود، در سال ۱۹۹۱ که عراق دشمن غرب تلقی می‌شود، این بازنمایی‌ها به طرفداری از کردهاست.

نظام متعددی که به گفته هالیدی تجسم جهان تجربه است (۱۹۹۴)، در سال ۱۹۸۸ حاکی از آنست که تداعی کردها یا اسمی شده و یا ناگذرا است. با وجود آنکه کردها در اکثر بخش‌ها عامل فرایند هستند، اما آنها به مثابه مشارکت‌کنندگان منفعلی بازنمایی می‌شوند که بر دیگران تأثیرگذار نیستند، آنها قربانی هستند، قربانی‌ای بدون نقش عاملیتی. قربانی شدن کردها به لحاظ سیاسی با «جدایی طلب» بودن کردها همراه بود. آنها تروریست و طرفداران ایران بودند. اگر ادعایی بر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی وجود داشت، بخاطر حفظ یکپارچگی کشور بود و نادیده گرفته می‌شود.

جایگاه بروز تضاد عراق و کردها در سال ۱۹۸۸، شمال عراق نامیده می‌شد و مسئله کردها مسئله‌ای داخلی تلقی می‌شد. اما در سال ۱۹۹۱، شمال عراق به کردستان یا شمال کردستان تبدیل شد و مسئله کردها به عنوان مسئله‌ای خارجی بازنمایی می‌شد. کردها در سال ۱۹۸۸ از صدای ضعیفی برخوردار بودند، منفعلانی بدون اعتبار، اما در سال ۱۹۹۱ کردها به مثابه گویندگان معتبری بازنمایی می‌شوند که می‌توان به آنها استناد کرد.

براین اساس می‌توانیم بگوییم که هم نیویورک تایمز و هم گلوب و مایل در سال ۱۹۸۸ کردها را به شیوه‌ای منفی بازنمایی می‌کردند، چیزی که در سال ۱۹۹۱ تغییر کرد. همانطور که در ابتدای پژوهش گفته شد، در این دو دوره تنها چیزی که تغییر می‌کند، جایگاه عراق در نظام بین‌المللی (غرب) است، عراق در این دو دوره از دوست به دشمن بدل می‌شود و کردها از جدایی طلب به جنگجویان مقاومت.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بازنمایی کردها در روزنامه‌های نیویورک تایمز و گلوب و مایل در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۱، به چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان وارد شد. من هم از تحلیل انتقادی گفتمان برای شناخت زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و هم از ابزارهای تحلیلی برای تحلیل نظام‌مند گفتمان رسانه‌ها استفاده کردم. تحلیل نظام‌های متعددی آشکار کرد که جهان تجربه کردها در سال ۱۹۸۸ به مثابه تجربه‌های فقدان مسئولیت‌پذیری و یا انفعال بازنمایی می‌شوند. بدین معنی که کردها یا عاملین کنش‌های غیرمتعدی و یا عاملین فرایندهای اسمی شده هستند. هستی کردها، هستی منفعلی است که به مثابه هستی‌ای کنش‌پذیر و همواره متأثر شده توصیف می‌شود. براین اساس بر این باورم که در سال ۱۹۸۸، کردها قربانیانی مسئله‌دار به شمار می‌روند، در هنگامه‌ای که عراق دشمن غرب نبود. کردها خرابکاران و جدایی‌طلبانی بودند که می‌خواستند از عراق که در آن زمان بقایش برای غرب «ضروری» بود، استقلال بگیرند، استقلالی که نه «حق» بلکه «خرابکاری» بود. در سال ۱۹۸۸ در گفتمان این دو نشریه مردم تحت حملات شیمیایی عراق به عنوان «شورشی» و «چریک‌ها» و نه افراد غیرنظامی، نام برده می‌شوند. در نتیجه به نظر می‌رسد که چنین بازنمایی‌ای، تصویری از کردها بر ساخته می‌کند که از آنها به عنوان «خیانتکار» یاد می‌شود، بنابراین از سوی حکومت عراق تنبیه می‌شوند، چیزی که همدلی مجامع بین‌المللی و دخالت قدرت‌های جهانی را به دنبال ندارد.

رجوع به زمینه‌های سیاسی و تاریخی دوره‌های مورد بررسی نشان داد که تنها عاملی که در جریان این سال‌ها تغییر می‌کند، تفاوت در روابط کشورهای غربی با عراق می‌باشد. در سال ۱۹۸۸، عراق بازار تسلیحاتی کشورهای غربی بود (رندل: ۱۹۹۷). همچنین حکومت عراق، سدی بود در برابر «تهدید» حکومت ایران که با زیر نفوذ گرفتن خلیج فارس، منافع غرب را به خطر می‌انداخت. بنابراین اگرچه قدرت‌های غربی از ژنوساید کردها در عراق آگاهی داشتند و به طور متناوب حکومت عراق را سرزنش می‌کردند، اما مداخله در مسائل «داخلی» عراق به نفعشان نبود. اما در سال ۱۹۹۱ و بعد از تهاجم عراق به کشور نفت‌خیز کویت، عراق به دولتی «مستبد» تبدیل شد که حاکم آن «شری بدتر از هیتلر» بود. در این زمینه، دشمنان حکومت عراق، کردها، به «دشمن دشمن من» و بنابراین دوستان ما بدل گشتند. این کشورها به دو میلیون پناهنده کرد برای بازگشت به کردستان عراق یاری رساندند. آنها در شمال عراق منطقه‌ای پرواز ممنوع ایجاد کردند که در سایه آن کردها توانستند انتخابات آزادی را برگزار کنند. حکومت منطقه‌ای مستقلی را تشکیل دادند و از حمایت‌های مالی ائتلاف ضد عراقی بهره گرفتند.

یافته‌های این تحقیق بر وجود چنین رابطه‌ای صحنه می‌گذارد. بدین معنی که بازنمایی کردها از سوی هر دو نشریه مطابق با روابط بین غرب و حکومت عراق تغییر می‌کند. در سال ۱۹۸۸ عراق دوست غرب است و روزنامه‌ها از عراق علیه کردها حمایت می‌کنند. در سال ۱۹۹۱ عراق دشمن غرب است و روزنامه‌ها از کردها علیه عراق حمایت می‌کنند. این همبستگی نشان می‌دهد که بازنمایی کردهای عراق برپایه سیاست‌های خارجی ایالات متحده استوار است و به تبع نشان‌دهنده جانبداری گفتمان رسانه‌ای است. اگرچه باید همواره به خاطر داشت که این نتایج را نمی‌توان به همه نشریات دیگر تعمیم داد و حتی نمی‌توان آن را به کلیت این دو روزنامه نیز تعمیم داد. چرا که این مطالعه برپایه نمونه‌ای انتخابی صورت گرفته که کلیت مقالات این دو روزنامه را دربر نمی‌گیرد.

از طرف دیگر این مطالعه نشان‌دهنده امکانات بالقوه CDA برای فراهم آوردن اساس نظری ضروری و ابزارهای تحلیل مناسب برای تحلیل و فهم محدودیت‌های گفتمان و کردارهای گفتمانی است. همچنین توضیح دهنده این امر است که چگونه گفتمان اصلی رسانه‌ها به مثابه منبع اطلاعات و معرفت در باب امور جهان نشان‌دهنده چگونگی طرح حوادث و مسائل در اخبار و چگونگی میانجی‌گری رسانه‌ها برای انتقال آنهاست. چرا که معرفت ما از جهان اساساً به واسطه رسانه‌ها شکل می‌گیرد.

در نهایت امیدوارم که تحلیل‌های CDA گفتمان‌های اخبار خارجی رسانه‌ها نه تنها فراهم کننده فهم بهتری از گفتمان و جایگاه ژرف آنها در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ماست، بلکه فهم بهتری را از روابط ما با بقیه جهان فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر، امیدوارم که فهم بهتر از کردارهای گفتمانی جوامع مان به ما در فهم چگونگی دریافت جهان و آنچه ما در باب اعضای اجتماعمان، «دهکده جهانی» می‌دانیم، کمک می‌کنند. در نهایت ما آن چیزی هستیم که فکر می‌کنیم و آن چیزی که می‌خوانیم و احتمالاً آن چیزی که می‌گوییم.

عنوان اصلی:

- YESTERDAY'S "SEPARATISTS" ARE TODAY'S RESISTANCE FIGHTERS:
A CRITICAL DISCOURSE ANALYSIS OF THE REPRESENTATIONS OF THE
IRAQI KURDS IN THE NEW YORK TIMES AND THE GLOBE AND MAIL

JAFFER SHEYHOLISLAMI, *School of Linguistics and Applied Language
Studies, Carleto* September, 2000

Postcolonial Theory and Criticism: A Bibliography

- Ahmad, Aijaz. *In Theory: Classes, Nations, Literatures*. London: Verso, 1992.
_____. "Jameson's Rhetoric of Otherness and the 'National Allegory'." *Social Text* 17 (1987): 3-25.
_____. *Lineages of the Present: Political Essays*. New Delhi: Tulika, 1996.
_____. "The Politics of Literary Postcoloniality." *Race and Class* 36.3 (1995): 1-20.
Althusser, Louis. *Essays on Ideology*. London: Verso, 1984.

- Amin, Samir. **Imperialism and Unequal Development**. New York: Monthly Review P, 1977.
- Bakhtin, Mijail M. **The Dialogic Imagination: Four Essays**. Austin: University of Texas P, 1981.
- Balibar, Etienne, and Emmanuel Wallerstein. **Race, Nation, Class: Ambiguous Identities**. London: Verso Publications, 1991.
- Bhabha, Homi K. **Locations of Culture: Discussing Post-Colonial Culture**. London: Routledge, 1996.
- _____. **Nation and Narration**. New York: Routledge, 1990.
- _____. "Of Mimicry and Man: The Ambivalence of Colonial Discourse." **October** 28 (1984): 125-33.
- _____. "The Postcolonial Critics & Homi Bhabha Interviewed by David Bennett and Terry Collits." **Arena** 96 (1991): 47-63.
- Bhabha, Homi, and J. Hassan. **Aladin's Gift**. Ontario, Can.: York UP, 1996.
- Butler, Judith. **Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity**. London: Routledge, 1990.
- Clifford, James, ed. **Writing Culture: the Poetics and Politics of Ethnography**. Berkeley, CA: U of California P, 1986.
- Foucault, Michel. **The Order of Things**. London: Tavistock, 1970.
- _____. **Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings, 1972-77** New York: Pantheon, 1980.
- Gramsci, Antonio. **Prison Notebooks**. New York: Columbia UP, 1991
- Hobsbawm, Eric J. **Industry and Empire: an Economic History of Britain since 1750**. London: Weidenfels and Nicholson, 1968.
- _____. **Nations and Nationalism since 1780**. Cambridge, UK: Cambridge UP, 1990.
- Jameson, Fredric. **The Geopolitical Aesthetic: Cinema and Space in the World System**. Bloomington, IN: Indiana UP, 1992.
- _____. "Third World Literature in the Era of Multinational Capitalism." **Social Text** 15 (1986): 65-88.
- Lacan, Jacques, and Anthony Wilden. **The Language of the Self: The Functions of Language in Psychoanalysis**. Baltimore, MD: Johns Hopkins UP, 1968.
- Mills, Sarah. **Discourse of Difference**. London: Routledge, 1992.
- _____. "Discontinuity and Postcolonial Discourse." **Ariel** 26.3 (1995): 73-88.
- Moore-Gilbert, Bart. **Postcolonial Theory: Contexts, Practices, Politics**. London: Verso, 1997.
- _____. "Which Way Post-Colonial Theory?: Current Problems and Future Prospects." **History of European Ideas**. 18.4 (1994): 553-70.
- Robertson, Roland. **Globalization: Social Theory and Global Culture**. London: Sage Publications, 1992
- Said, Edward. **Beginnings: Intention and Method**. New York: Basic Books, 1975
- _____. **Culture and Imperialism**. New York: Vintage Books, 1994.
- _____. **Edward Said: A Critical Reader**. Oxford, UK: Blackwell, 1992.
- _____. "Figures, Configurations, Transfigurations." **Race and Class** 32.1 (1990): 1-16
- _____. **Identity, Authority and Freedom: The Potentate and the Traveller**. Cape Town, South Africa: University of Cape Town, 1991.
- _____. "Intellectuals in the Post-Colonial World." **Salmagundi**. 70-71 (1986): 44-64.
- _____. **Nationalism, Colonialism and Literature**. Derry, Ireland: Field Day, 1988.
- _____. **Orientalism**. New York: Pantheon Books, 1978.
- _____. "Representing the Colonized: Anthropology's Interlocutors." **Critical Inquiry** 15.2 (1989): 205-25
- _____. **Representations of the Intellectual**. New York: Vintage Books, 1996.
- _____. **The World, the Text, and the Critic**. London: Faber and Faber, 1984.
- Spivak, Gayatri Chakravorty. **A Critique of Postcolonial Reason: Toward a History of the Vanishing Present**. Cambridge, MA: Harvard UP, 1999.
- _____. "Imperialism and Sexual Difference." **Oxford Literary Review** 8 (1986): 1-2.
- _____. **In Other Worlds: Essays in Cultural Politics**. New York: Methuen, 1987.
- _____. "The Making of Americans, the Teaching of English, and the Future of Culture Studies," **New Literary History** 21 (1990): 781-798.
- _____. **Outside in the Teaching Machine**. New York: Routledge, 1993.
- _____. **The Post-Colonial Critic: Interviews, Strategies, Dialogues**. London: Routledge, 1990.
- _____. **Thinking of Academic Freedom in Gendered Postcoloniality**. Cape Town, South Africa: U of Cape Town, 1992.